

ذیلی در باره مبانی احکام

محمد افنان

این یادداشت مختصر مبتنی بر اساس این حقیقت است که بنا بر تعالیم ادیان، خلقت و ایجاد تصادفی نیست و نه تنها معلول به علل و عوامل دقیق است، بلکه به حقیقت دارای هدف و سرنوشتی خاص نیز می‌باشد. دین حقیقی واحد است و "جهت جامعه" بقای فرهنگ و تمدن انسانی است و سلسله متصل و مداومی است که ابتداء و انتهاء ندارد و بالاخره عامل مؤثر در اکمال مراتب وجود و تکمیل نوع انسان از جهت فردی و جمعی است.

احکام ادیان نیز همانند اصول و مبانی اعتقادی به تناسب ترقی فکر انسان و قابلیت روحانی که مخصوصاً در نوع بشر ودیعه است همواره در حال تحوّل و تکامل و تغییر و تبدیل بوده و هست زیرا ناظر به هدف حیات انسان یعنی وصول او به مرحله کمال روحانی و معنوی است و چون فکر و ادراک انسانی همواره در حال توسعه و تکمیل است تشریح احکام نیز متناسب آن و برای تربیت تدریجی نفوس و ارواح و عقول است.

اگر این مقدمه را بپذیریم می‌توان ادیان توحیدی را که جنبه الهی و مافوق انسانی دارند تجلیات نظام واحدی بدانیم که در سلسله طولی به هم وابسته‌اند و هر ظهور بعد مؤید و مکمل و ادامه ظهورات قبل است و در کیفیت عرضی نیز هر یک از ظهورات دینی مجموعه مکملی از اصول فکری و ضوابط معنوی و شرایع و احکام اجرائی و قوانین و مقرراتی عمومی است که همه اصول و فروع آن به هم وابسته و پیوسته‌اند و به تدریج متناسب با ترقی روحانی افراد انسان تطوّر و تحویل یافته و می‌یابند. تجلی کمالات انظمه گذشته‌اند و مبدء و منشأ برکات و تجلیات آینده. و این مطلب نه

تنها در اصول و مبانی بلکه در احکام و شرائع و فرائض و عبادات نیز صادق است. درست است که احکام و اخلاق دو رشته متمایز از حقائق دینی در معارف همه ادیان است اما این دو در حیات اهل ایمان به هم می‌پیوندند و مفهومی متصل و واحد حاصل می‌نماید. احکام دینی و تعالیم اخلاقی ارتباطی اساسی و بنیادی دارند. بررسی و تحقیق در باره اکثری از احکام نشان می‌دهد که هدف هر حکمی از احکام ایجاد و تثبیت سنجیه و خصلت معینی است. مثلاً عبادات مفروضه سبب اعتلاء روح از جنبه فردی و ایجاد وحدت افکار و اتحاد کلمه در بین اهل ایمان از جنبه جمعی است. اصولاً می‌توان گفت که مدارج عالیّه آداب و اخلاق انسانی یعنی آنچه مقصد از تعالیم ادیان است حکمت نظری است که بر وجدان حکومت می‌کند و احکام و شرائع کیفیت عملی است که در اعضا و ارکان افراد و اجتماع مؤثر واقع می‌شود. نقش احکام بر اساس تعیین حدود و مقادیر کمی و بر مبنای اصل وجوب - جواز یا حرمت و میزان ثواب و عقاب و یا ردّ و قبول است و به مدد استفاده از کمّیات ظاهری در تحقّق و تعین کیفیات آداب و اخلاق عمل می‌نماید و آنچه را که نمودار کیفیت و معنویت است به وسیله مختصات سنجش‌پذیر مادی و ظاهری متحقّق می‌سازد. با اینکه ملکات معنوی و روحانی مقصد از تمامی اصول و تعالیم و شرائع ادیان می‌باشد با این همه تمامیت آن در گرو حفظ کلیّه شؤون مجموعه‌ای است که به نام دین از عالم امر به عالم خلق افزوده شده است.

بیان نازل از قلم اعلی که «حقّ جلّ جلاله از برای ظهور جواهر معانی از معدن انسانی آمده»^۱ به صراحت حاکی از این حقیقت است که ظهور مظاهر الهی برای تربیت استعدادات مودوعه در نوع انسان است. در تفصیل و تبیین این بیان از قلم جمال قدم نازل: «یعنی مشارق امر و مخازن لالی علم او، چه که آنّه تعالی غیب مکنون عن الانظار»^۲ «مشارق امر و مخازن لالی علم او» تبیین و توضیح «حقّ جلّ جلاله» است و حکایت از این حقیقت دارد که دین الله یکی است ولی نظر به ترقیات تدریجی عالم بشری و استعدادات انسانی که نمودار «ظهور جواهر معانی از معدن انسانی» است دین الهی متدرّجاً متتابعاً به عرصه ظهور می‌آید. این همان حقیقتی است که در آثار مبارکه به تدرّج ظهور (Progressive Revelation) نامیده شده است. این حقیقت انحصار به مجموعه ظهورات الهیه ندارد بلکه در هر ظهور نیز اظهار و ابلاغ حقائق مندمج در آن دور و حتّی ابلاغ احکام و حدود و نصب و رفع اوامر و نواهی تدریجی و مشمول همین اصل است.

در خصوص وحدت حقیقت دین و اینکه دین الهی یکی است در قرآن کریم نازل: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولّوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون»^۳ مفهوم این آیه مبارکه دلالت دارد که حقیقت یعنی دین واحد الهی در همه ادیان مشترک است و لذا پیغمبر اکرم اهل کتاب را به آن دعوت می‌نماید.^۴ لفظ مسلمون که در این آیه نازل شده به دلالت آیات متعدّده قرآن به مفهوم دین حقیقی

است و به همین سبب مکرراً در قرآن به حقیقت ادیان سابقه نیز اطلاق نام اسلام شده است. در یکی از الواح که به امضای خادم الله صادر شده در باره احکام می‌فرمایند: «الحمد لله الذی انزل الاحکام و جعلها حصناً لعباده و علة لحفظ بریتة. طوبی لمن تمسک بکتاب الله و عمل بما امر به و ویل للغافلین»^۵ و در مقامی دیگر می‌فرمایند: «ظهور حق و احکام الهی جمیع از برای تربیت انسان و ترقی او و حفظ اهل عالم و امثال آن بوده و خواهد بود»^۶ مدلول بیانات مبارک فوق حاکی از این نکته است که اهمیّت احکام فرع هدف و مقصد از حکم است و اساساً هدف از تشریح احکام تربیت و پرورش اهل ایمان به اخلاق و آداب انسانی و رحمانی است. در کتاب بیان در خصوص این مطلب ذیل حکم نماز چنین نازل: «یومی که رسول خدا ص وضع نمود آن را [نماز] نبود الاّ حبل خضوعی و خشوعی که در اعناق مردم باشد از برای یوم رجوع خود»^۷ در حاشیة موضوع توجّه به این مطلب لازم است که اهل انصاف این نکته را از یاد نخواهند برد که تخلّق به اخلاق و آداب رحمانی و اجرای احکام، یعنی هدف و وسیله، همواره مکمل یکدیگرند و هرچه افراد انسان در مدارج اخلاق و آداب بیشتر ترقی نمایند در مواظبت احکام و اجرای آن بیشتر خواهند کوشید.

آیه مبارکه قرآنی «ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها...»^۸ نیز مؤید همین مطلب است که آیات و احکام برای تأمین خیر و سعادت بشر است نه اینکه تکلیفی بی‌هدف بوده باشد. بیان مبارک زیر نیز حاکی از این حقیقت است که احکام فرع است و ظهور مظاهر الهی و افاضه فیض روحانی اصل، و هدف ظهور تربیت و هدایت است و نزول احکام در ظلّ آن و برای تحقّق آن است. حضرت بهاءالله در لوح عبدالرزاق می‌فرمایند: «در مقامی [حضرت نقطه] می‌فرمایند اگر اعتراض و اعراض اهل فرقان نبود هرآینه شریعت فرقان در این ظهور نسخ نمی‌شد»^۹

آیا نمی‌باید گفت اعراض و اعتراض اهل اسلام در هنگام ظهور موعود قرآن نمودار محرومی آنان از اثر تربیت بخش و کمال آفرین شریعت فرقان بوده و به همین جهت به مصداق «نأت بخیر منها او مثلها» احکام و شرائع قرآن نسخ شده است تا در ظهور بعد و قانع قبل تکرار نشود؟ حضرت نقطه در کتاب مستطاب بیان نیز این حقیقت را به بیانی دیگر ذکر فرموده‌اند: «در ظهور رسول خدا صلی الله علیه و آله لایق بود که کلّ ما علی الارض در ظلّ او مؤمن شوند. آنچه که نشده از ضعف مسلمین بوده والاّ لیاقت از برای آن دین بوده»^{۱۰}

در لوح مبارک خطاب به جناب حاجی ملا علی اکبر ایادی مورّخ ۱۵ جمادی الأوّل ۱۲۹۰ به امضای خادم چنین نازل: «در ارض سرّ به لسان پارسی مختصری [احکام الله] نازل ولکن به طرفی ارسال نشد، حسب الامر در محلّ محفوظ بود»^{۱۱} در رساله سؤال و جواب نیز اشاره به قسمی از احکام ارث که در ادرنه تشریح شده آمده است.^{۱۲}

ظاهراً تا آن جا که معلوم است، به غیر از الواح حجّ و الواح صیام، آنچه که در ادرنه نازل در دست نیست یا لا اقلّ اینکه شناخته نیست. با توجّه به اینکه مقدار قابل توجّهی از آثار مبارکه جمال ابهی در

لیله صعود مبارک به امانت به اطاق میرزا بدیع الله منتقل و بعد توسط میرزا محمد علی ناقص اکبر ضبط و ناپدید شده شاید بتوان گفت جزء آن آثار و اوراق مبارکه بوده است.

اگرچه الواح حج و ادعیه صیام ظاهراً قبل از نزول حکم صیام و حج نازل شده اما اگر به این نکته توجه شود که این دو حکم در مجموعه احکام بهائی تأیید و تثبیت حکم بیان است توجیه مطلب آسان می شود. با این همه این جنبه مطلب حائز اهمیّت مخصوص است که این دو حکم در حقیقت طلیعه حکم و جوب صیام و حج است و تنزیل تدریجی احکام را تأیید می نماید. اهل بیان در ایام فترت به احکام بیان متذکر و تا حدی که ممکن بود در اجرای آن می کوشیدند و یکی دیگر از مصادیق آن اجرای حکم حقوق الله است.

اگرچه الواح کریمه نازله قبل از ایام عکاء و کتاب مستطاب اقدس متضمّن احکام، آن هم به صورت تفصیل و تشریح، نیست اما به دو کیفیت می توان طلایع و شواهد نزول احکام را ملاحظه نمود. اول تصریح و تأکید بر اجرای اوامر و حدود سابق اعم از اسلامی و بیانی و دوّم تذکر به مبانی اخلاق و آداب روحانی که هدف اصلی از احکام عملی و مشترک در همه ادیان الهی است.

در مورد تأکید به حفظ و اجرای احکام ادیان سابقه به چند مورد زیر اکتفا می شود. در لوح احمد عربی می فرمایند: «والذی ارسله باسم علیّ هو حقّ من عند الله و انا کُلّ بامرہ لمن العالمین. قل یا قوم فاتبعوا حدود الله الّتی فرضت فی البیان من لدن عزیز حکیم، قل انه لسلطان الرّسل و کتابه لامّ الکتاب ان انتم من العارفين.»^{۱۳} در سوره ملوک چنین تصریح فرموده: «اتقوا الله یا ایها الملوک و لا تتجاوزوا عن حدود الله ثم اتبعوا بما امرتم به فی الکتاب [کتاب بیان] و لا تكوننّ من المتجاوزین.»^{۱۴} و ایضاً «اوصیکم فی آخر القول بان لا تتجاوزوا عن حدود الله...»^{۱۵} در لوح القدس نازل: «ایاکم ان لا تختلفوا فی امر الله و لا تترکوا احکام الله الّتی نزلت فی البیان من لدن عزیز کریم.»^{۱۶} مسلماً این گونه اشارات اساسی بیش از این چند مورد است که نقل شد.

مبانی اخلاق و آداب که هم مقدمه و هم هدف احکام است و از اجرای احکام جدائی پذیر نمی باشد به صورت های متنوع در آثار قبل از تنزیل کتاب اقدس به وفور آمده است.

طهارت قلب و تطهیر اعمال، وحدت مقصد و توحید توجه به مرکز امر، اهمیّت تربیت نفوس و لزوم ابلاغ و تبلیغ ظهور الهی از مجموعه مبانی تأسیس جامعه جدید شایان ذکر است. اهمیّت تخلّق به اخلاق روحانی و اعمال شایسته انسانی، احتراز از مجادله و اختلاف، رعایت صدق، انصاف و اعتدال در کلیه شؤون و توجه و تأسی به اصول موضوعه الهی در زمینه حیات فردی تأکید گردیده است. مراجعه به اصل آیات مبارکه نازله در ادرنه و سور و الواح مربوطه ما را به اساس این اشارت ها هدایت می نماید.

بیان مبارک ذیل قسمتی از یکی از الواح نازله در عکاست ولی مفهوم مطالب به نحوی است که به احتمال قریب به یقین پیش از نزول کتاب اقدس بوده است. مضمون آن وحدت مقصد حیات انسانی با

دین الهی و وابستگی اساس اخلاق و هدف اعمال است.

«... بعد از عرفان حق، اعظم امور استقامت بر امر اوست، تمسک بها و کن من الراسخین. هیچ عملی اعظم از این نبوده و نیست، اوست سلطان اعمال و ربک العلیّ العظیم. و آنچه از اعمال خواسته بودید در مثل این الواح ذکر آن جائز نه لاجل ضعف عباد و لکن اعمال و افعال حق مشهود و ظاهر چنانچه در جمیع کتب سماویّه نازل و مسطور است مثل امانت و راستی و پاکی قلب در ذکر حق و بردباری و رضای بما قضی الله له و القناعة بما قدر له و الصبر فی البلايا بل الشکر فیها و التوکل علیه فی کلّ الاحوال، این امور از اعظم اعمال و اسبق آن عند حق مذکور و دیگر مابقی احکام فروعیه در ظلّ آنچه مذکور شد بوده و خواهد بود، انشاءالله به آن جناب می‌رسد و بما نزل فی الالواح عامل خواهند شد. حال زیاده بر این ذکر آن جائز نه. و آنچه از احکام از موثّقین شنیده‌اید و یا در الواح الهیه مشاهده نموده‌اید عامل گردید تا به مابقی آن فائز شوید. باری، روح قلب معرفه الله است و زینت او اقرار بانه يفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و ثوب آن تقوی الله و کمال آن استقامت. کذلک یتبین الله لمن اراده انه یحب من توجه الیه لا اله الا هو الغفور الکریم...»^{۱۷}

حکمت ظهور مظاهر الهی و نزول احکام و اوامر و تلازم اصول اخلاق و آداب انسانی با حدود و شرایع دین در این بیان نازل از قلم اعلی به بیانی دقیق و فصیح ابلاغ شده است:

«ای دوستان، ارض معرفت رحمن خراب و ویران مشاهده شد، لذا زارع بالغ و حکیم حاذق فرستادیم تا اعراق فاسده و گیاه‌های لایسمنه را به تدابیر کامله قطع نماید و به امطار اوامر الهیه آن ارض را تربیت فرماید تا محلّ انبات نبات طیّبه و اشجار مثمره شود. این است مقصود از ارسال رسل و انزال کتب. ای دوستان، در صدد تربیت گمراهان و بی‌دانشان باشید که شاید نهال‌های وجود انسانی به طراز ربیع رحمانی سرسبز و خرّم شوند.»^{۱۸}

مقصود از آنچه به اتکاء بیانات و آثار مبارکه مطرح شده این نکته است که هدف از تعالیم و احکام و اصول ادیان همواره تربیت اهل ایمان به صفات و کمالات انسانی است. اگرچه معارف دینی ظاهراً به اصول و فروع و احکام و فرائض تقسیم می‌شود، این تقسیم قراردادی است و در اساس همه این مطالب به هم وابسته است و در حقیقت برای تکامل همه جانبه نوع انسان از عالم امر الهی به عالم خلق به تدریج افاضه شده و می‌شود.

یادداشت‌ها

- ۱- حضرت بهاء‌الله، اشراقات (فاقد ذکر محل چاپ و تاریخ آن)، ص ۱۳۳.
- ۲- حضرت بهاء‌الله، لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی اصفهانی معروف به نجفی (مصر: مطبعة سعادت، ۱۹۲۰ م)، ص ۱۰.
- ۳- قرآن مجید، سوره آل عمران (۳)، آیه ۶۴.
- ۴- بر اساس آیات قرآنی همه مردم اهل کتاب محسوب می‌شوند چه که: «كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين و انزل معهم الكتاب بالحق...» (بقره (۲)، (۲۱۳) که حکایت از این مطلب دارد که بر همه مردم دین الهی فرستاده شده است و در یوم قیامت نیز همه امت‌ها به کتابشان داوری می‌شوند. در این باره در سوره جاثیه (۴۵)، آیه ۲۸ نازل: «كل امة تدعى الى كتابها.» اگرچه مفسرین در این مورد کتاب را «کتاب اعمال» گرفته‌اند اما تردیدی نیست که کتاب اعمال هرکس بر مبنای میزان و مقیاس کتاب الهی است که بر آن قوم و امت نازل شده است.
- ۵- مجموعه محفظه ملّی آثار امری، شماره ۲۷، ص ۲۷.
- ۶- حضرت بهاء‌الله، اقتدارات (بی‌ناشر، بی‌تاریخ)، ص ۲۸۰.
- ۷- حضرت باب، بیان فارسی، واحد هفتم، باب نوزدهم.
- ۸- قرآن مجید، سوره بقره (۲)، آیه ۱۰۶.
- ۹- اقتدارات، ص ۴۷.
- ۱۰- بیان فارسی، واحد پنجم، باب پنجم.
- ۱۱- مجموعه محفظه ملّی آثار امری، شماره ۲۸، ص ۴۷.
- ۱۲- رساله سؤال و جواب، شماره ۱۰۰.
- ۱۳- حضرت بهاء‌الله، ادعیه حضرت محبوب (قاهره: فرج‌الله زکی الکردی، ۱۳۳۹ ه.ق)، ص ۱۹۵.
- ۱۴- حضرت بهاء‌الله، الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض (طهران: مؤسسه ملّی مطبوعات امری، ۱۲۴ ب)، ص ۷.
- ۱۵- ایضاً، صص ۶۹-۷۰.
- ۱۶- حضرت بهاء‌الله، آثار قلم اعلی، نشر دوم (طهران: مؤسسه ملّی مطبوعات امری، ۱۳۳ ب)، ج ۴، ص ۳۲۶.
- ۱۷- اقتدارات، صص ۱۶۲-۱۶۳.
- ۱۸- ادعیه حضرت محبوب، ص ۳۱۶.